

بررسی دیدگاه مدیران، کارشناسان و دانشجویان نسبت به اجرای طرح بومی‌گزینی در پذیرش دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی

مجتبی بذرافشان مقدم *
علی مهدوی شکیب **
مریم خجسته بوجار ***

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی دیدگاه مدیران، کارشناسان و دانشجویان نسبت به اجرای طرح بومی‌گزینی در پذیرش دانشجویان دانشگاه‌ها به روش توصیفی انجام شد. جامعه آماری شامل مدیران، کارشناسان دانشگاه‌ها و دانشجویان دانشگاه فردوسی بود که ۱۲۷ نفر مدیر به شیوه سرشماری، ۱۷۰ نفر کارشناس به شیوه هدفمند و ۷۱۵ نفر از دانشجویان بر اساس جدول مورگان به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای سنجش دیدگاه مدیران، کارشناسان و دانشجویان از پرسشنامه استفاده شد. پایایی پرسشنامه‌ها از طریق آلفای کرونباخ برای پرسشنامه مدیران ۰/۸۹ و پرسشنامه دانشجویان ۰/۸۰ به دست آمد. داده‌ها با آزمون‌های کای اسکوئر تک متغیره (χ^2)، یومن-ویت نی و کروسکال والیس مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد: از دیدگاه دانشجویان، مدیران و کارشناسان نسبت به موفقیت طرح بومی‌گزینی، در برخی ابعاد مثبت و در برخی منفی بوده است. دانشجویان نسبت به تحقق اهداف بومی‌گزینی در ابعاد عاطفی، اقتصادی و فرهنگی در مقایسه با بعد آموزشی توافق بیشتری داشته‌اند؛ ضمن آنکه، کارشناسان دانشگاه سیستان و بلوچستان، فردوسی مشهد و شیراز در مقایسه با کارشناسان دانشگاه‌های خوارزمی، صنعتی اصفهان و بوعلی سینای همدان رضایت کمتری از اجرای طرح داشته‌اند.

واژگان کلیدی: بومی‌گزینی، دانشجویان، دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی

* استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

** کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد (مسئول

مکاتبات: mahdavishakib@yahoo.com)

*** کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

امروزه توسعه همه جانبه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی با توسعه علمی و فناوری گره خورده است و این مستلزم توسعه آموزشی و از جمله گسترش کمی و ارتقای کیفی آموزش عالی کشور است. یکی از محورهای اساسی، «توسعه مبتنی بر دانایی» است که به نوبه خود مستلزم آموزش مادام‌العمر، دسترسی همگان به فرصت‌های برابر آموزشی، تعیین کیفیت آموزش‌های پایه و توسعه سرمایه انسانی با افزایش آموزش عالی و ایجاد مهارت‌های پایه و قابلیت‌های کانونی و یادگیری چگونه آموختن است (فراستخواه، ۱۳۸۷). از این رو، افزایش دسترسی به آموزش عالی و حرکت به سوی همگانی کردن آن از اولویت‌های ملی توسعه علوم و فناوری در کشور است. دوره‌ای که آموزش عالی عمدتاً نخبه‌گرا بود و به طبقات متوسط و حداکثر برخی لایه‌های مجاور و پیرامونی آن اختصاص داشت، سپری شده است. آموزش عالی در جهان امروز از دهه‌های پایانی قرن بیستم رو به همگانی شدن گذاشته و به صورت تقاضای اجتماعی درآمده است به ویژه که با ظهور عصر اطلاعات، نیاز به دانستن بیش از هر وقت دیگر در گذشته، جنبه حیاتی به خود گرفته است (مهر محمدی، ۱۳۸۱).

یکی از ارکان اساسی توسعه در هر جامعه‌ای، موفقیت در تحصیل در زمینه‌های تخصصی گوناگون و ایجاد فرصت‌های برابر برای دستیابی همه افراد جامعه به این منابع می‌باشد و جوامع مختلف و به ویژه جوامع در حال توسعه در این راستا با موانعی جدی روبه‌رو هستند (نوربخش، ۱۳۹۰). بنابر این، می‌توان هدف‌های عمده هر نظام دانشگاهی را بر چهار محور تصور کرد: الف) پیشبرد مرزهای دانش و تولید دانش؛ ب) پرورش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز توسعه کشور و کمک به حل مسایل جامعه؛ ج) برآوردن تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی متناسب با ویژگی‌ها، انگیزه‌ها، انتظارات و تحصیلات افراد، پرورش توانایی‌های بالقوه شهروندان و تسهیل فرآیند یادگیری مداوم؛ د) کمک به تحقق هدف‌های اجتماعی با فراهم آوردن برابری در فرصت‌های آموزش عالی (رحمان سرشت، ۱۳۸۰).

فراهم آوردن فرصت‌های آموزش عالی، برای جامعه زیر پوشش دانشگاه را می‌توان از جمله هدف‌های اجتماعی هر دانشگاه منظور داشت. برای تحقق این هدف باید سه جنبه: جنسیت، منطقه جغرافیایی و قشربندی اجتماعی - اقتصادی را در برنامه‌ریزی توسعه دانشگاه مورد نظر قرار داد (بازرگان، ۱۳۶۹). دانشگاه به عنوان یکی

از اصلی‌ترین نهادهای آموزشی مدرن در ایران در طول هفتاد و چند سال تأسیس به لحاظ اهداف، کارکرد و ساختار دچار تغییرات متعدد شده است. گزینش دانش‌آموزان به شیوه بومی از جمله تغییراتی است که در چند سال اخیر مبنای پذیرش دانشجویان برای ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور قرار گرفته است. بومی‌گزینی به صورت بومی استانی، ناحیه‌ای، قطبی و گزینش به صورت کشوری (بدون بومی‌گزینی) می‌باشد (دفترچه راهنمای کنکور، ۱۳۸۸). سیاست بومی‌گزینی بیانگر آن است که دانشجویان مربوط به هر منطقه فقط به دانشگاه‌های منطقه و بوم خود وارد شوند و از قبولی دانشجویان در خارج از ناحیه بومی خود (استان) جلوگیری شود.

در جلسه ۲۱۳ به تاریخ ۱۳۶۹/۰۲/۱۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب شد که شهرهای کشور به سه منطقه بسیار برخوردار، برخوردار و کم برخوردار تقسیم شوند و ظرفیت دانشگاه‌ها نیز در دوره‌های مختلف به نسبت جمعیت این مناطق تقسیم شود. همچنین در کنار این تقسیم‌بندی مناطق، بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی چند ظرفیت دیگر همچون شاهد و ایثارگر ایجاد شد. بر اساس تبصره دو و سه این مصوبه بیست درصد ظرفیت رشته‌های مربوط به بوم استان، ناحیه و قطب به صورت آزاد و ۸۰ درصد مابقی در قالب سهمیه‌های مناطق و بومی پر می‌شود. به عنوان مثال ظرفیت هر سه منطقه یک، دو و سه از ۸۰ درصد بومی و ۲۰ درصد آزاد تکمیل می‌شود. در گزینش سال ۱۳۸۷ به گفته رییس سازمان سنجش مطابق با قانون سال ۱۳۶۹ عمل شد و در سال ۸۷ در دوره‌های روزانه ۹۶/۷۹ درصد بومی‌گزینی اجرا شد. در حالی که در سال قبل از آن این مقدار ۵۹/۱۱ درصد یعنی ۱۱ درصد کمتر بود. در دوره شبانه این مقدار در سال‌های مشابه از ۷۲/۶۲ به ۷۴/۷۱ درصد افزایش یافته است. تحقیقات انجام شده در این زمینه به دلیل اجرای بومی‌گزینی طی ۱۸ سالی که از تصویب آن در شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌گذرد، تقریباً در حد صفر است و تنها می‌توان به مصوبه خود شورا و اظهارنظرهایی که در دو سال اخیر و به دنبال اجرای غیر منتظره آن به وقوع پیوست، پرداخت (مهرعلیزاده و همکاران، ۱۳۹۱).

طبق مصوبه، جلسه ۶۲۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۸۷/۵/۱ در پاسخ به پیشنهاد (۱۳۸۷/۳/۲۶) وزارت علوم، سازمان سنجش موظف شد که با همکاری وزارتخانه‌های علوم و بهداشت حداقل ۶۵ درصد از پذیرش دانشجو را به صورت بومی - استانی انجام دهد و دانشگاه آزاد اسلامی هم موظف به انجام همین امر در مورد ۷۰ درصد از داوطلبان شد. بومی‌گزینی چهار مرحله استانی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای

و کشوری دارد که در برخی از رشته‌ها مانند هنر پذیرش به صورت کشوری است (همان، ۱۳۹۱). آمار سازمان سنجش نشان می‌دهد که در پذیرش به شیوه بومی - استانی در سال ۱۳۸۶، ۷۲/۶ درصد، در سال ۱۳۸۷، ۷۴/۷ درصد و در سال ۱۳۸۸، ۷۳/۹ درصد شرکت کنندگان در آزمون سراسری در استان‌های بومی خود پذیرفته شده‌اند.

موضوع بومی‌گزینی در نظام‌های آموزشی متمرکز با انتقادهای جدی مواجه است و موافقان و مخالفان زیادی دارد. هنوز در کشور ما به علت طولانی بودن زمان اثر بومی‌گزینی مطالعه جدی در خصوص اثرات مثبت و منفی آن انجام نشده است (پرنده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۳). در چنین زمینه‌ای، واکاوی ابعاد مختلف طرح بومی‌گزینی با توجه به اهداف مطرح شده برای این طرح و تبیین نقاط قوت و ضعف آن ارزشمند است. قضاوت صحیح و اطمینان از اثربخش بودن طرح جدیدی مثل پذیرش دانشجویان به شیوه بومی، زمانی امکان‌پذیر است که متولیان امر نسبت به میزان دستیابی به اهداف طرح پس از اجرا مطمئن و اطلاعات مستند و دقیقی در اختیار داشته باشند. تحقیق حاضر بدون جهت‌گیری خاص از موضع مخالف یا موافق با هدف بررسی دیدگاه مدیران، کارشناسان دانشگاه‌ها و دانشجویان به عنوان ذینفعان طرح مذکور، در خصوص اجرای طرح و میزان موفقیت در دستیابی به اهداف مورد نظر در ابعاد اقتصادی، آموزشی، فرهنگی، عاطفی و مدیریتی انجام شده است. یافته‌های این پژوهش می‌تواند در امر برنامه‌ریزی، تغییرات احتمالی و همچنین طراحی الگویی بهینه برای ادامه روند صحیح پذیرش دانشجویان برای ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مفید واقع شود. علاوه بر آن، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌توانند از نتایج این تحقیق که استفاده نمایند و تصمیم‌گیری صحیحی برای ادامه بومی‌گزینی در پذیرش دانشجویان اتخاذ نمایند.

مبانی نظری

نظریه فرصت برابر

یکی از مؤثرترین راه‌های تحقق عدالت اجتماعی، تأمین فرصت‌های یکسان برای دسترسی عموم افراد جامعه به آموزش و پرورش است و همه آحاد انسانی حق دارند از آموزش و پرورش یکسان برخوردار گردند. در جهان کنونی یکی از شاخص‌های پیشرفت اجتماعی، آموزش و پرورش و چگونگی بهره‌مندی از آن می‌باشد، بر همین مبنا کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه در صدد ایجاد فرصت‌های برابر دسترسی همگان به آموزش و پرورش هستند (عبدوس، ۱۳۸۱: ۱۳۸).

برابری به مهیا سازی فرصت‌های برابر، متناسب با نیازهای ویژه هر فرد اشاره دارد. زیرا افراد در دانش، مهارت، توانایی، انواع یادگیری و پیشینه فرهنگی و نیازهای آموزشی‌شان با هم متفاوتند (دهقانی، ۱۳۸۴: ۳). برابری فرصت‌ها و عدالت آموزشی را می‌توان از دو دیدگاه متفاوت بررسی کرد. آن را می‌توان به عنوان هدف یا به عنوان وسیله‌ای در جهت تحقق هدف بلند مدت برابری اجتماعی مورد توجه قرار داد. در مفهوم لیبرال کلاسیک، برابری یعنی همه افراد بدون توجه به نژاد، رنگ، منشاء اجتماعی و ملی، در حقوق برابر و آزادند. در این مفهوم، برابری در آموزش به این معنی است که افراد باید در شروع زندگی کاری و آموزش برابر باشند. در یک نگرش سوسیالیستی، آموزش به عنوان وسیله اصلی برابرسازی تفاوت‌های اجتماعی دیده می‌شود. برابری فرصت‌های آموزشی زمانی محقق می‌شود که همه افراد در دست‌یابی آموزش برابر باشند (بابادی عکاشه، ۱۳۸۹).

مفهوم برابری فرصت‌های آموزشی مفهومی نسبی است که به تبع شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی جامعه در حال تغییر است و تاکنون سه شکل مشخص به خود گرفته است. برابری فرصت‌های آموزشی به معنی درونداد مساوی، برابری فرصت‌های آموزشی به معنی فرایند مساوی و برابری فرصت‌های آموزشی به معنای برونداد مساوی (جوادی، ۱۳۸۷: ۲۷).

هنگامی که از نابرابری یا برابری فرصت صحبت می‌شود منظور نابرابری فرصت بین دختران و پسران در برخورداری از آموزش، نابرابری بین اقلیت‌های مذهبی یا نابرابری در دسترسی به امکانات آموزشی در بین مناطق مختلف کشور می‌باشد (گروه مشاوران یونسکو، ۱۳۷۴: ۷۴). از بین رفتن تبعیض یکی از اجزاء اصلی فرصت برابر محسوب می‌شود به گونه‌ای که این عنصر بر تساوی برخوردار آموزش عالی با داوطلبان ورود به آن دلالت دارد، به بیان دقیق‌تر، این موضوع مبین آن است که به داوطلبان ورود به دانشگاه به شیوه مشابه رفتار شود و تنها عامل ممیزه افراد از یکدیگر استعداد تحصیلی آنان است که بر احتمال استفاده آنان از رشته انتخابی تأثیر مستقیم دارد (اوه، فولستون، نقل از صالحی عمران، ۱۳۹۰). توسعه آموزش بدون توجه به فرصت‌های برابر مشکلات بسیاری را در کشور به وجود می‌آورد. افزایش مهاجرت از مناطق محروم به طرف شهرها و مناطقی که دارای امکانات تحصیلی هستند و در نتیجه، افزایش مشکلات ناشی از مهاجرت در مناطق شهری به ویژه در کلان شهرها. همچنین برنامه‌ریزی برای آموزش عالی در سطح ملی بدون توجه به فرصت‌های آموزشی برای زنان و مردان قومیت‌های مختلف، امکانات

موجود در مناطق و عدم فراگیری آموزش در تمام سطوح جامعه، موجب افزایش مشکلات جامعه و از جمله عدم تأمین خود کفایی استان‌ها در تربیت نیروی انسانی متخصص می‌گردد (مسعودی، ۱۳۸۲).

به نظر می‌رسد، سیاست بومی‌گزینی به شیوه فعلی (از سال ۱۳۸۷) اگر چه منجر به قبولی و پذیرش دانش‌آموزان بیشتری در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نسبت به سال‌های گذشته شد و دسترسی به آموزش عالی در مناطق مختلف کشور را برای متقاضیان فراهم نمود، اما به دلیل محرومیت بیشتر استان‌ها و امکانات اندک سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دانشگاه‌های شهرستان‌ها در مقایسه با دانشگاه‌های پایتخت و مراکز استان‌ها، نوعی نابرابری را برای استعدادهای مناطق محروم در بر داشته است. به اعتقاد منتقدان هدف از اجرای این طرح عدالت آموزشی یعنی رشد و شکوفایی - استعدادها و کسب مهارت‌ها و قرار گرفتن جوانان در محیط‌های آموزشی متناسب با استعدادهای آنان است. بنابراین، اجرای طرح بومی‌گزینی به شیوه فعلی زمانی مفید به نظر می‌رسد که دسترسی و فرصت برابر نسبت به امکانات آموزشی، پژوهشی و رفاهی در سایر مناطق برای دانشجویان فراهم باشد.

نظریه سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی بر وجود نوعی دارایی غیرملموس و غیراقتصادی دلالت می‌کند که ریشه در روابط اجتماعی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها دارد. در واقع، کیفیت و کمیت همین روابط اجتماعی است که دارایی و سرمایه اجتماعی افراد را تشکیل می‌دهد. سرمایه دارترین افراد و جوامع آنهایی هستند که از بیشترین سطح روابط اجتماعی پایدار و مؤثر و ارتباطات شبکه‌ای در جهت دستیابی به پیشرفت برخوردارند. بانک جهانی (۱۹۹۹)، سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است و تجارب این سازمان نشان داده است که این پدیده، تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد (امیری، ۱۳۸۵).

سرمایه اجتماعی طبق نظر بسیاری از اندیشمندان به پیوندها و ارتباطات میان اعضای هر شبکه به عنوان منبعی با ارزش اشاره دارد و از طریق هنجارها و اعتماد متقابل، موجب تحقق اهداف اعضا می‌گردد. سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی که ممکن است افراد، گروه‌ها و جوامع برای نیل به نتایج مطلوب آن را به کار گیرند، قلمداد می‌شود و آن مفهومی است که در بسیاری موارد توسط تحلیل‌گران اجتماعی برای توصیف طیف

وسیع‌تری از فرایندهای اجتماعی به کار برده می‌شود و موجب درک این پرسش می‌شود که چرا برخی افراد، گروه‌ها و طبقات مردم به نتایج سیاسی، اقتصادی و یا اجتماعی مثبت تری نسبت به دیگران نایل می‌شوند. (اندیشمند، ۱۳۸۸).

در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار می‌شوند. در دیدگاه‌های سنتی مدیریت، توسعه سرمایه اقتصادی، فیزیکی و نیروی انسانی مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کردند اما در عصر حاضر برای توسعه بیشتر از آنچه به سرمایه اقتصادی، فیزیکی و انسانی نیازمند باشیم به سرمایه اجتماعی به عنوان اصلی محوری برای دستیابی به توسعه نیازمندیم (صالحی و مهرعلیزاده، ۱۳۸۴). در این میان، دانشگاه‌ها به عنوان نهادهای اجتماعی و فرهنگی، می‌توانند با سرمایه‌گذاری در زمینه سرمایه اجتماعی، بر دانش، مهارت و شایستگی‌های هیأت علمی خود و همچنین در سرمایه ساختاری خود از قبیل دارایی فکری، نوآوری، فرایندها و روش‌های کاری، یادگیری سازمانی، سیستم‌های اطلاعاتی بیفزایند (گاماس^۱، ۲۰۰۷). نتایج پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد ارتباطات و اعتماد متقابل با افزایش سرمایه اجتماعی در دانشگاه رابطه مستقیم دارد (فیضی، ۱۳۸۵). همچنین، افزایش روابط دانشجویان با اساتید خود منجر به افزایش پیشرفت تحصیلی غرور و خود اثربخشی دانشجویان شود (قانع‌ی راد، ۱۳۸۵).

از مزایای سرمایه اجتماعی، ایجاد یکپارچگی در میان اعضا است. هنجارها و باورهای محکم، موجب ایجاد شبکه اجتماعی قوی می‌شود که آداب و رسوم و قوانین خاصی است را دربر می‌گیرد و جایگزین کنترل‌های رسمی می‌شود. در این رابطه اوچی^۲ (۱۹۸۰) چنین استدلال می‌کند که سازمان‌های قبیله‌ای با هنجارهای مشترک قومی هزینه‌های نظارت اندکی دارند و تعهد بالایی را که در واقع همان سرمایه اجتماعی است، در اختیار دارند (آدلر^۳ و ووک ون^۴، ۱۹۹۲، نقل از صالحی عمران، ۱۳۹۰).

سرمایه اجتماعی به معنای شبکه روابط بین گروه‌های مذهبی و قومی ضمن تقویت انسجام اجتماعی از برخوردها و تنش‌های مذهبی و قومی جلوگیری می‌کند (عبداللهی، ۱۳۸۶). در کشورهای غنا و اوگاندا سرمایه اجتماعی در بعد ساختاری و تعاملاتی با تأکید بر شبکه روابط بین افراد و گروه‌ها مورد تحلیل قرار گرفت و اثرات آن را بر انسجام جمعی و توسعه اجتماعی به معنای خاص نشان داده شد. (تاجبخش، ۱۳۸۶).

1. Gumas
2. Ochi
3. Adler
4. Wook Won

علاوه بر این، یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی اشاره به معاشرت و رفاقت فرد با طبقات مختلف اجتماعی، نژادها، اقوام، مذاهب و ادیان مختلف دارد. به عبارتی هر چه فرد با طبقات و گروه‌های متعلق به نژادها و مذاهب مختلف در ارتباط باشد و با آنها حالت دوستی ایجاد کرده باشد، موجب فزونی سرمایه اجتماعی می‌شود (صالحی عمران، ۱۳۹۰).

پذیرش دانشجویان در دانشگاه‌ها به شیوه بومی‌گزینی و ممانعت از حضور دانشجویان از سایر فرهنگ‌ها در کنار یکدیگر، با ایجاد همبستگی و تقویت هویت ملی و نظریه سرمایه اجتماعی مغایرت دارد. زیرا اقوام ایرانی، در لایه استانی و تا حدی در لایه ناحیه‌ای عملاً محصور در ناحیه، استان یا بوم خویش گشته و این امر در بلندمدت به زیان همبستگی و امنیت ملی کشور (سرمایه اجتماعی) و حاکم شدن قومیت‌گرایی در برخی مناطق کشور خواهد شد.

به طور کلی، پس از اجرایی شدن سیاست بومی‌گزینی به شیوه جدید از سال ۱۳۸۷، نظرات و دیدگاه‌های متولیان امر، داوطلبان کنکور و سایر صاحب‌نظران در حوزه آموزش عالی پیرامون پذیرش دانشجویان به شیوه بومی در دو دسته حامیان و منتقدان (مخالفان) اجرای طرح قرار می‌گیرد که از جمله ایرادها و انتقادهای مهم به طرح مذکور، عدم توزیع فرصت‌های برابر آموزشی در نقاط مختلف کشور و تضعیف هویت ملی و سرمایه اجتماعی در جامعه دانشگاهی می‌باشد. در ادامه به برخی از دیدگاه‌های مطرح توسط موافقان و مخالفان طرح مذکور پرداخته می‌شود.

حامیان این طرح معتقدند، پذیرش دانشجویان به شیوه بومی‌گزینی می‌تواند به افزایش شاخص قبولی داوطلبان بومی استان‌ها و بالطبع افزایش میزان دسترسی آنان به آموزش عالی می‌شود همچنین کاهش مسائل عاطفی و روانی دانشجویان دختر به خاطر نزدیکی به محل سکونت و خانواده، کاهش هزینه‌های جاری دانشگاه‌ها و کاهش تقاضا برای خوابگاه و امور رفاهی از دیگر مزایایی است که حامیان طرح، برای آن ذکر می‌نمایند. از طرف دیگر، منتقدان طرح معتقدند این طرح نابرابری آموزشی و ناتوانی دولت در تأمین خوابگاه‌ها و امکانات رفاهی برای دانشجویان را نشان می‌دهد. همچنین پیامدهایی از قبیل نابرابری جنسیتی، رشد پدیده مهاجرت به شهرهای بزرگ، جدایی و انفکاک فرهنگ‌های مختلف از یکدیگر و تضعیف روحیه همبستگی و انسجام ملی و ایجاد نابرابری‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را به دنبال دارد.

پیشینه پژوهش

تمایل به آموزش، نهضتی جهانی است که حد و مرز نمی‌شناسد. طی سالیان اخیر رشد شتابان و فزاینده دسترسی به آموزش عالی در بسیاری از کشورها به عنوان پاسخی به ضرورت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مورد حمایت کشورها قرار گرفته است. این رویکرد باعث شده است که آموزش عالی به عنوان نقطه کانونی که پیشرفت جوامع را در سایر زمینه‌ها نیز تضمین می‌کند توجه بسیاری را به خود جلب نماید. به همین خاطر کشورها بر آن شدند تا نظام آموزش عالی خود را تا سر حد توان گسترش دهند (روشن، ۱۳۸۷).

دانشگاه‌ها مهم‌ترین مرکز تولید علم و دانشمندان به شمار می‌آیند. از این رو هر برنامه‌ای برای توسعه علمی باید یکی از محورهای اصلی خود را توسعه این نظام‌ها قرار دهد. تأثیر این نظام‌های دانشگاهی چه از لحاظ محتوای برنامه‌های آموزشی و پژوهشی که پارادایم‌های علمی را می‌سازند و چه از لحاظ زمینه‌های فرهنگی اجتماعی حاکم بر محیط‌های دانشگاهی و بر دانشجویان می‌تواند تا سال‌ها پس از تحصیلات عالی همچنان در نزد دانش‌آموختگان باقی مانده و به رغم هر مقام و موقعیتی که در جامعه داشته باشند و حتی برای آنها به شیوه زندگی و روش فکری تبدیل شود، اهمیتی انکارناپذیر دارد (فکوهی، ۱۳۸۶).

عوامل و مؤلفه‌های بسیاری بر کارکرد و اثربخشی نظام‌های دانشگاهی موثرند. در این میان، دانشجویان و شیوه ورود و پذیرش آنان، یکی از دروندادهای مهم و کلیدی به شمار می‌روند. بومی‌گزینی بر اساس مصوبه جلسه ۲۱۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی از سال ۱۳۶۹ در آزمون سراسری اجرا شده است با توجه به گسترش رشته‌های تحصیلی و ماهیت هر رشته و توسعه مراکز آموزش عالی در سطح کشور و به منظور تحقق عدالت آموزشی به خصوص در رشته‌های روزانه که از آموزش رایگان برخوردارند، گزینش بومی به صورت بومی استانی، بومی ناحیه‌ای، بومی قطبی و کشوری اعمال می‌گردد. بر اساس جدول (الف) استان‌های کشور بر اساس شانسی قبولی و همجواری جغرافیایی به نه ناحیه تقسیم می‌شوند (پرنده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

جدول (الف) معرفی نواحی بومی استان‌های کشور

استان‌های تابعه	نواحی بومی
تهران - البرز - زنجان - سمنان - قزوین - قم - مرکزی	ناحیه ۱
آذربایجان شرقی - آذربایجان غربی - اردبیل	ناحیه ۲
اصفهان - چهارمحال و بختیاری - یزد	ناحیه ۳
سیستان و بلوچستان - کرمان	ناحیه ۴
بوشهر - فارس - کهگیلویه و بویراحمد - هرمزگان	ناحیه ۵
کردستان - کرمانشاه - همدان	ناحیه ۶
ایلام - خوزستان - لرستان	ناحیه ۷
خراسان شمالی - جنوبی، رضوی	ناحیه ۸
گلستان - گیلان - مازندران	ناحیه ۹

معرفی استان‌های کشور بر اساس مناطق نه‌گانه در طرح بومی‌گزینی / (پرند و

همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۸)

همه داوطلبان بر اساس محل اخذ مدرک سه سال آخر تحصیل‌شان در دوره متوسطه جزو یکی از ناحیه‌های بومی محسوب می‌شوند. نحوه اعمال سهمیه بومی به این ترتیب است که ضرایب دو درس تخصصی که بیشترین تأثیر را نسبت به درس‌ها دارند برای داوطلبان بومی در ۱/۱ ضرب می‌شود. تا سال ۱۳۶۹ به جای اعمال ضریب ۱/۱ برای داوطلبان ناحیه، در همه رشته‌های ناحیه شانس دو برابر نسبت به سایر داوطلبان و برای رشته دبیری شانس بین ۲ تا ۲/۵ برابر برای داوطلبان بومی اختصاص یافت. اما در سال ۱۳۶۹ با توجه به گسترش رشته‌های تحصیلی و ماهیت هر رشته و توسعه مراکز آموزش عالی در سطح کشور و به منظور تحقق عدالت آموزشی به خصوص در رشته‌های روزانه که از آموزش رایگان برخوردارند، طرحی توسط سازمان سنجش آموزش کشور پیشنهاد و به تصویب کمیته مطالعه و برنامه‌ریزی کشور و سپس شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید که باعث تغییرات عمده در گزینش بومی شد (پرند، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

دلایل و اهداف بومی‌گزینی

طبق مصوبه جلسه ۲۱۳ به تاریخ ۱۳۶۹/۰۲/۱۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی و اظهار نظر متولیان امر، مهم‌ترین اهداف بومی‌گزینی در سال ۱۳۶۹ عبارتند از:

- تحقق عدالت آموزشی به خصوص در رشته‌های روزانه برخوردار از آموزش رایگان

- کاهش مشکلات روانی و اجتماعی دانشجویان ناشی از دوری از خانواده و تضادهای قومی، فرهنگی

- کاهش مشکلات اقتصادی دانشجویان ناشی از مشکلات اقامتی و معیشتی دانشجویان.

از جمله اهداف و دلایل مورد تأکید دیگر برای اجرای طرح بومی‌گزینی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- کاهش مشکلات اقامتی و معیشتی دانشجویان و دانشگاه (نظیر مشکل کمبود خوابگاه، افت تحصیلی ناشی از دوری خانواده و مشکلات اقتصادی)

۲- کاهش مهاجرت‌های درون کشوری

۳- گزینش بومی باعث خواهد شد تا داوطلبان هر ناحیه با امتیازات در نظر گرفته شده، بتوانند از امکان قبولی بیشتر در رشته‌های بومی بهره‌مند گردند.

۴- بومی‌گزینی بسترسازی مناسبی را فراهم می‌آورد تا با جذب نخبه‌ها داخل استان‌های محل سکونت‌شان، باعث ارتقای بیش از پیش سطح کیفی دانشگاه‌های آن استان شود و رقابت علمی واقعی بین دانشگاه‌ها در کل کشور را فراهم می‌آورد و از تجمع دانشجویان برتر در یک یا چند دانشگاه خاص جلوگیری می‌نماید.

۵- پذیرفته‌شدگان شهرها و نواحی مختلف کشور به خصوص مناطق محروم، با اقامت در شهرهای بزرگ، پس از فراغت از تحصیل، تمایلی به بازگشت به مناطق خود ندارند (پرند، ۱۳۹۱: ۱۰۵).

سیاست بومی‌گزینی در سال ۱۳۸۷ با موجی از دیدگاه‌های موافق و مخالف روبه‌رو شد به گونه‌ای که جهت‌گیری‌های خاصی را در میان نمایندگان مجلس، مدیران و مسئولان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان سنجش آموزش کشور و همچنین اعضای هیأت علمی، مدیران و رؤسای بعضی از دانشگاه‌های معروف و مادر کشور و مدیران و صاحب نظران علمی و فرهنگی کشور در بر داشته است. مهر علی زاده و همکاران (۱۳۹۱) همسو با پژوهش حاضر، تحقیقی را با عنوان "آسیب‌شناسی سیاست بومی‌گزینی کنکور" با تحلیل سایت‌های اینترنتی و رسانه‌های عمومی کشور در بازه زمانی انجام طرح بومی‌گزینی در چند سال اخیر انجام داد که از جمله یافته‌های آن در توصیف دیدگاه موافقان و مخالفان طرح بومی‌گزینی عبارتند از:

الف- موافقان طرح: آنها به مزیت‌هایی مانند تمرکز زدایی و جلوگیری از مهاجرت نخبگان^۱، ارتقا ارزش افزوده در مناطق کشور، کاهش هزینه رفت و آمد خانواده‌ها، کاهش آسیب‌های فرهنگی و اخلاقی دختران و پسران دانشجو اشاره نموده‌اند.

ب- مخالفان طرح: مخالفان این تصمیم چنین استدلال می‌کنند که این شیوه منجر به بروز آسیب‌هایی مانند عدم رعایت عدالت آموزشی و اجتماعی می‌شود با این توضیح که این طرح باعث می‌شود دانش‌آموزان شهرستان‌ها از دسترسی به دانشگاه‌های بزرگ باز بمانند و رقابت شهرستانی‌ها در رسیدن به دانشگاه‌های تهران سخت‌تر شود که این کاملاً به نفع دانش‌آموزان تهرانی است. ضمن آنکه، با اجرای طرح مذکور، بیشتر به کارکردهای سیاسی طرح تا علمی آن توجه خواهد شد. بدین معنی که دانشجویان شهرستانی در امور سیاسی فعال‌تر عمل می‌کنند و این برای محدود کردن حضور آنها در دانشگاه‌های تهران که کانون فعالیت‌های سیاسی است و همچنین کم‌رنگ ساختن جنبش‌های زنان، به دلیل کمیت بالاتر آنان در آموزش عالی، اتخاذ شده است کاهش همبستگی اجتماعی و ملی اقوام ایرانی، مسائل اقتصادی دولت، مانند تأمین خوابگاه برای دانشجویان، کاهش کیفیت علمی دانشگاه‌ها، نگاه جنسیتی و زمینه‌سازی بی‌عدالتی آموزشی از جمله ایرادات دیگر مطرح شده است (مهرعلیزاده و همکاران، ۱۳۹۱).

از جمله انتقادات دیگری که صاحب‌نظران و برخی از مدیران دانشگاه‌ها نسبت به اجرای طرح بومی‌گزینی مطرح نموده‌اند، یکی مربوط به دانشگاه‌های بزرگ و مهم کشور است که در حال حاضر در کلان شهرها احداث شده‌اند و اعتبار علمی و امکانات آموزشی، رفاهی و صنفی دانشگاه‌های مذکور با دانشگاه‌های تازه تأسیس شهرستان‌ها قابل مقایسه نیست و این به نوعی نابرابری آموزشی را در بر خواهد داشت. ضمن آنکه، برخی نیز بر این باورند بومی‌گزینی در پذیرش دانشجویان باعث افزایش فاصله بین مرکز و پیرامون کشور و موجب تنش بین آنها می‌شود و این به نوبه خود باعث تهدید انسجام ملی می‌شود (فکوهی، ۱۳۸۸).

به زعم کریمی (۱۳۹۰) یکی از شیوه‌های ساختاری ایجاد و تحکیم همبستگی اجتماعی تمهید شرایط ادغام و تقویت پیوندهای اجتماعی است که به روش‌های

۱. هر سال دانشگاه‌های تهران اکثریت داوطلبان باهوش را جمع می‌کنند، در حالی که این افراد می‌توانند در خدمت منطقه خود باشند. بسیاری از داوطلبانی که به تهران آمده‌اند حاضر به بازگشت نیستند و در نتیجه این به توزیع نامتوازن افراد تحصیل کرده در سراسر کشور منجر می‌شود.

گونگون مثل سکونت در محله‌های مشترک، ازدواج‌های بین‌گروهی، زندگی مشترک در محیط‌های درسی، تفریح و شیوه‌های مشابه میسر است. از این راه ارتباطات و تماس‌ها تشدید می‌شود، آگاهی از دیگر گروه‌ها افزایش و فاصله اجتماعی کاهش می‌یابد و در مقابل پیوندهای مشترک فزونی می‌گیرد. اگر از این منظر به شیوه جذب بومی‌گزینی نظام آموزش عالی کنونی ایران نگریسته شود می‌توان گفت که این شیوه در جهت تقویت ارتباطات بین قومی نیست، فاصله اجتماعی بین اعضای گروه‌های قومی را تضعیف نمی‌کند، فرایند ادغام اجتماعی را تسهیل نمی‌کند و به انباشت سرمایه اجتماعی مدد نمی‌رساند.

صالحی عمران و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان بررسی سیاست پذیرش دانشجوی بومی در دانشگاه‌های ایران، در بررسی روند پذیرش دانشجویان از سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ به این نتیجه دست یافت که در چند سال اخیر اگر چه با افزایش تعداد دانشگاه‌ها و افزایش قبولی، تعداد دانشجویان به بسط فرصت‌های آموزشی کمک شده اما اجرای سیاست بومی‌گزینی بر نابرابری‌های آموزشی افزوده است.

مرور مبانی نظری و تحقیقات انجام شده نشان داد تحقیق جامعی که ابعاد مختلف طرح بومی‌گزینی را متناسب با دغدغه متولیان امر و اهداف مورد نظر، مورد بررسی قرار دهد انجام نشده است. مرور مبانی نظری و بررسی برخی تحقیقات مرتبط با موضوع پژوهش، حکایت از آن دارد که اهداف مطرح شده برای بومی‌گزینی در سال ۱۳۸۷ با توجه به عدم برخورداری مناطق مختلف کشور از زیرساخت‌های نرم افزاری و سخت افزاری لازم در حوزه آموزش، پژوهش و امکانات صنفی و رفاهی با مبانی نظری از جمله نظریه فرصت‌های برابر آموزشی و نظریه سرمایه اجتماعی همخوانی نداشته و برخی اظهار نظرهای صورت گرفته توسط مخالفان و منتقدان طرح در خصوص اشکالات آموزشی و فرهنگی نیز مؤید آن می‌باشد. با عنایت به مطالب مذکور و بررسی اهداف دست‌اندرکاران آموزش عالی از اجرای طرح بومی‌گزینی و همچنین مرور اجمالی دیدگاه‌های موافقان و مخالفان اجرای این طرح، در این پژوهش بومی‌گزینی در پنج بعد اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، عاطفی و مدیریت برنامه‌ریزی از دیدگاه مدیران و کارشناسان دانشگاه‌ها و همچنین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد از حیث میزان موفقیت طرح در دستیابی هر یک از ابعاد مذکور مورد بررسی و واکاوی قرار گرفت.

سؤالات پژوهش

۱. دیدگاه دانشجویان مورد بررسی نسبت به میزان موفقیت طرح بومی‌گزینی در هر یک از ابعاد اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و عاطفی - روانی چگونه است؟
۲. دیدگاه مدیران و کارشناسان مورد بررسی نسبت به میزان موفقیت طرح بومی‌گزینی در هر یک از ابعاد اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، عاطفی و مدیریت و برنامه‌ریزی خدمات دانشجویی چگونه است؟
۳. آیا بین دیدگاه مدیران و کارشناسان در دانشگاه‌های مورد بررسی نسبت به میزان موفقیت طرح بومی‌گزینی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟
۴. آیا بین دیدگاه کارشناسان در شش دانشگاه مورد بررسی نسبت به میزان موفقیت طرح بومی‌گزینی تفاوت معناداری وجود دارد؟
۵. آیا بین دیدگاه دانشجویان درباره موفقیت طرح بومی‌گزینی در ابعاد مورد نظر بر حسب جنسیت، نوع پذیرش و محل سکونت آنان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

روش پژوهش

تحقیق حاضر با هدف بررسی دیدگاه مدیران، کارشناسان و دانشجویان نسبت به طرح بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور انجام شد. در این پژوهش ابتدا دیدگاه مدیران، کارشناسان و دانشجویان مذکور پیرامون ابعاد مختلف طرح بومی‌گزینی، توصیف و سپس مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفت. این تحقیق از حیث روش، تحقیق کمی و از نوع تحقیقات توصیفی به شمار می‌رود. تحقیقات توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن توصیف شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. اجرای تحقیق توصیفی می‌تواند صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری دادن به فرایند تصمیم‌گیری باشد (سرمد، ۱۳۸۴: ۸۱ و ۸۲). جامعه آماری این تحقیق را سه گروه تشکیل داده‌اند. گروه نخست شامل مدیران دانشگاه‌های سراسر کشور (همه معاونان دانشجویی و فرهنگی، مدیران امور دانشجویی و مدیران امور فرهنگی شرکت‌کننده در نشست^۱ سراسری در سال ۱۳۸۹)، گروه دوم را کارشناسان آموزشی، دانشجویی - رفاهی و فرهنگی در شش دانشگاه فردوسی مشهد، شیراز، اصفهان، بوعلی سینای همدان، خوارزمی (تربیت معلم سابق) و سیستان و بلوچستان تشکیل می‌دهند که تعداد آنها ۱۶۹ نفر بود و گروه سوم شامل دانشجویان ورودی سال ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ پذیرفته شده در دانشگاه فردوسی

۱. نشست سراسری معاون، مدیران فرهنگی و دانشجویی دانشگاه‌های کشور، اسفندماه ۱۳۸۸، شهر قم

مشهد که به ترتیب برابر ۲۴۴۷ نفر و ۲۷۶۰ نفر بودند. جدول (پ) جامعه آماری تحقیق را به تفکیک سه گروه مذکور با توجه به پست سازمانی هر یک از مدیران و دانشگاه‌های مورد بررسی نشان می‌دهد.

جدول (ب) جامعه آماری تحقیق به تفکیک گروه‌های سه‌گانه

ردیف	گروه‌ها	پست سازمانی	تعداد	تعداد کل
۱	مدیران	معاون دانشجوی و فرهنگی	۴۰	۱۲۸ نفر
		مدیر امور دانشجویی	۵۴	
		مدیر امور فرهنگی	۳۳	
۲	کارشناسان	سیستان و بلوچستان (زاهدان)	۳۶	۱۷۰ نفر
		تربیت معلم تهران (خوارزمی)	۲۸	
		شیراز	۲۱	
		فردوسی مشهد	۳۵	
		اصفهان	۲۷	
		بوعلی سینا همدان	۲۳	
۳	دانشجویان دانشگاه فردوسی	دانشجویان ورودی سال ۸۷	۲۴۴۷	۵۰۲۷ نفر
		دانشجویان ورودی سال ۸۸	۲۷۶۰	
مجموع			۵۳۲۴ نفر	

با توجه به نشست سراسری و مشترک جامعه مدیران، نمونه‌گیری از جامعه مدیران به روش سرشماری انجام شد که تعداد ۱۲۷ نفر از مدیران به پرسشنامه به صورت کامل پاسخ دادند و همان تعداد مبنای بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. شش دانشگاه مورد بررسی در این پژوهش نیز بر اساس معیار موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن در نواحی پنج‌گانه فرهنگی انتخاب شدند. بدین ترتیب که از ناحیه یک خوارزمی (دانشگاه تربیت معلم سابق)، از ناحیه دو دانشگاه بوعلی سینا همدان، ناحیه سه دانشگاه فردوسی مشهد، از ناحیه چهار دانشگاه صنعتی اصفهان و از ناحیه پنج دانشگاه شیراز انتخاب شدند. علاوه بر این، برای اطلاع از نظرات کارشناسان در دانشگاه‌های مناطق محروم، دانشگاه سیستان و بلوچستان انتخاب گردید. در مجموع کارشناسان شش دانشگاه مذکور، با توجه به امکان دسترسی به افراد شاغل در حوزه‌های آموزشی، دانشجویی-رفاهی و فرهنگی این دانشگاه‌ها، به روش سرشماری انتخاب شدند. برای نمونه‌گیری از جامعه دانشجویان پذیرفته شده در دانشگاه فردوسی مشهد نیز با استفاده از جدول مورگان نمونه‌ای به حجم ۷۱۵ نفر شامل ۳۷۹

نفر دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۸ و ۳۳۶ نفر دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۷ انتخاب شدند که از این تعداد ۴۹۹ نفر دانشجوی دختر و ۲۱۶ نفر دانشجوی پسر می‌باشند. در این پژوهش برای سنجش دیدگاه مدیران، کارشناسان و دانشجویان نسبت به طرح بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو، از دو پرسشنامه محقق ساخته با مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت استفاده شد. پرسشنامه نخست دارای بیست سؤال بوده که دیدگاه دانشجویان را نسبت به میزان موفقیت طرح بومی‌گزینی در چهار بعد اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و عاطفی مورد سنجش قرار داد. پرسشنامه دوم دارای ۲۴ سؤال بود و دیدگاه مدیران و کارشناسان را نسبت به میزان موفقیت طرح مذکور در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، عاطفی و مدیریت و برنامه‌ریزی خدمات دانشجویی مورد سنجش قرار داد. ابعاد مورد بررسی طرح بومی‌گزینی در تحقیق حاضر و معیارهای مربوط به هر یک از ابعاد در پرسشنامه‌های مذکور به شرح جدول (پ) می‌باشد.

جدول (پ) ابعاد مورد بررسی طرح بومی‌گزینی و معیارهای کلی مربوط به هر یک از ابعاد مورد بررسی در این پژوهش

معیارها	ابعاد	
کاهش هزینه‌های تحصیل / ایاب و ذهاب دانشجویان - برخورداری همه دانشجویان از امکانات رفاهی و خوابگاهی - کاهش هزینه‌های جاری دانشگاه - کاهش تقاضا برای خوابگاه - جذب و اشتغال دانشجویان بومی	اقتصادی	پرسشنامه بررسی دیدگاه مدیران، کارشناسان و دانشجویان
آشنایی با فرهنگ‌های محلی - ایجاد قرابت فرهنگی - تقویت هویت ملی - تبادل افکار دانشجویان با یکدیگر - تبعیض جنسیتی - حمایت از تنوع فرهنگی - ترویج تفکرات قومیتی - تقویت آداب و رسوم محلی و بومی	فرهنگی	
قبولی بیشتر دانشجویان در دانشگاه - افزایش فرصت تحصیلی - پیشرفت تحصیلی - نابرابری آموزشی - گردش نخبگان در مناطق بومی - کاهش مشکلات تحصیلی - موقعیت علمی دانشگاه - رقابت علمی	آموزشی	
افسردگی، انزوا، کاهش مشکلات ارتباطی و رفتاری - کاهش افت تحصیلی - کاهش آسیب‌های روحی - احساس استقلال بیش از حد - امنیت روحی و عاطفی	عاطفی-روانی	
افزایش کیفیت خدماتی رفاهی و دانشجویی - تسهیل کار مدیریت امور دانشجویی - کوچک شدن ساختار مدیریت امور دانشجویی - کاهش حجم کاری پرسنل حوزه دانشجویی	مدیریت و برنامه‌ریزی *	

دیدگاه سه گروه مدیران، کارشناسان و دانشجویان نسبت به ابعاد و معیارهای معرفی شده در پرسشنامه‌ای مستقل مورد بررسی قرار گرفته است. مؤلفه/بعد مدیریت و برنامه‌ریزی تنها از دیدگاه مدیران و کارشناسان مورد بررسی قرار گرفته است.

با انجام آزمون مقدماتی، پایایی پرسشنامه‌ها با آلفای کرونباخ محاسبه گردید و ارزش آن به ترتیب برای پرسشنامه بررسی دیدگاه مدیران و کارشناسان ۰/۸۹ و برای پرسشنامه بررسی دیدگاه دانشجویان برابر با ۰/۸۰ به دست آمد. روایی پرسشنامه‌ها با تعیین روایی محتوایی به شیوه داوری تخصصی، از حیث مطابقت با اهداف در نظر گرفته شده برای طرح بومی‌گزینی توسط صاحب‌نظران اطمینان حاصل شد.

شیوه اصلی جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق از طریق توزیع پرسشنامه به صورت حضوری و با هماهنگی قبلی در بین دانشجویان، مدیران و کارشناسان حوزه‌های آموزشی، دانشجویی- رفاهی و فرهنگی دانشگاه‌های مورد بررسی صورت گرفت. برای کسب اطلاع از دیدگاه مدیران نسبت به طرح بومی‌گزینی در ابعاد مذکور، با هماهنگی قبلی در نشست سراسری معاونان، مدیران کل امور دانشجویی و فرهنگی دانشگاه‌های کشور، ضمن توضیح فرایند و اهداف تحقیق، پرسشنامه مورد نظر بین آنان توزیع و در همان روز جمع‌آوری گردید. برای دریافت نظر کارشناسان مورد نظر در شش دانشگاه مورد بررسی، ابتدا با معاونان دانشجویی دانشگاه‌ها هماهنگی‌های لازم به عمل آمد و سپس پرسشنامه‌ها برای توزیع به دانشگاه مربوط ارسال گردید و در نهایت پس از دو هفته ۱۷۹ پرسشنامه تکمیل شده دریافت شد. در تحقیق حاضر برای دریافت نظرات دانشجویان ورودی سال ۱۳۸۷ پس از دریافت فهرست دانشجویان از آموزش دانشکده‌ها با مراجعه حضوری به افراد مورد نظر و توضیح اهداف طرح مذکور، دیدگاه‌های آنان از طریق پاسخ به سؤالات پرسشنامه دریافت شد. برای دریافت نظر دانشجویان ورودی سال ۱۳۸۸، با هماهنگی قبلی با مسئولان برگزاری اردوی توجیهی دانشجویان جدیدالورود و حضور مستقیم تیم تحقیق در اردوگاه، پرسشنامه مورد نظر به صورت تصادفی در بین دانشجویان توزیع و پس از تکمیل جمع‌آوری گردید.

داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار (SPSS)، در سطح آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای این کار، در بررسی متغیرها و مقایسه‌های لازم میان گروه‌های مورد مطالعه، ضمن بهره‌گیری از شاخص‌های آمار توصیفی، با توجه به ملاک‌هایی مانند توزیع داده‌ها (نرمال یا غیر نرمال بودن توزیع) و سطح اندازه‌گیری متغیرها، از آزمون‌های آماری کای اسکوئر تک متغیره (χ^2)، یومن- وایت نی و کروسکال وایس استفاده شد.

یافته‌ها

در تحقیق حاضر، با توجه به این که پیش‌فرض لازم برای استفاده از آزمون‌های پارامتری (نرمال بودن توزیع داده‌ها که با استفاده از آزمون کالموگرف اسمینروف مشخص شد) وجود نداشت، تحلیل سؤالات پژوهش با استفاده از آزمون‌های آماری ناپارامتریک انجام پذیرفت. بر این اساس برای پاسخ به سؤالات تحقیق، ابتدا پاسخ‌های دریافتی از سه گروه دانشجویان، مدیران و کارشناسان برای هر سؤال به تفکیک در دو دسته موافق و مخالف (نمرات بالا و پایین) مورد طبقه‌بندی قرار گرفت و سطح اندازه‌گیری متغیر به رتبه‌ای تبدیل شد و بدین وسیله معنی‌داری یا عدم معنی‌داری تفاوت بین دو توزیع مشاهده شده و مورد انتظار از طریق آزمون کای اسکوئر تک متغیره (χ^2) مورد بررسی قرار گرفت. برای پاسخ به سؤالات سوم و پنجم از آزمون ناپارامتریک یومن- وایت نی (برای مقایسه دو گروه مستقل) و برای سؤال چهارم از آزمون آماری کروسکال والیس (برای مقایسه چند گروه مستقل) استفاده شد.

سؤال ۱- دیدگاه دانشجویان مورد بررسی نسبت به میزان موفقیت طرح بومی‌گزینی در هر یک از ابعاد اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و عاطفی- روانی چگونه است؟

جدول (۱) میزان موافقت/ مخالفت دانشجویان نسبت به هر یک از ابعاد طرح بومی‌گزینی

χ^2 (df=۱)	تعداد مورد انتظار ($n=۷۱۵$)	تعداد مشاهده شده		اهداف بومی‌گزینی
		موافقان	مخالفان	
۹۶/۷۴۰	۳۵۷/۵	۴۸۹	۲۲۶	اقتصادی
۵۱/۰۲۲		۴۵۳	۲۶۲	فرهنگی
۱۶/۶۱۷		۴۱۲	۳۰۳	آموزشی
۳۴۲/۶۹۲		۶۰۶	۱۱۰	عاطفی
$P < ۰/۰۰۰$				

بر اساس داده‌های جدول (۱) همان گونه که ملاحظه می‌شود، فراوانی مورد انتظار برای دو طبقه موافق و مخالف در ابعاد مورد بررسی در این سؤال برابر ۳۷۵/۵ فرض شده است که از تقسیم اعداد کل فراوانی بر تعداد طبقات به دست آمد. با توجه به مقادیر کای اسکوئر برای هر چهار بعد مورد بررسی، مطابق جدول (۱) و بر اساس سطح معنی‌داری کوچک‌تر از $p < 0/000$ ، تفاوت بین این دو نسبت (موافقان و مخالفان) از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. در بین ابعاد مورد بررسی، میزان موافقت دانشجویان با ابعاد عاطفی و اقتصادی در مقایسه با میزان مخالفت آنان بیشتر مشاهده می‌شود. تعداد موافقین بعد آموزشی در مقایسه با ابعاد عاطفی و اقتصادی و فرهنگی بومی‌گزینی کمتر است. به عبارت دیگر، تفاوت خیلی زیادی در میزان موافقت و مخالفت دانشجویان نسبت به اهداف آموزشی بومی‌گزینی وجود ندارد به طوری که، نزدیک به نیمی (۴۳ درصد) از دانشجویان اذعان داشته‌اند اجرای طرح بومی‌گزینی در بعد آموزشی متناسب با انتظارات آنان نبوده است. اما دانشجویان نسبت به ابعاد عاطفی و اقتصادی دیدگاهی مثبت و فراتر از انتظار داشته‌اند؛ به گونه‌ای که، ۸۴ درصد دانشجویان نسبت به بعد عاطفی، ۶۸ درصد نسبت به بعد اقتصادی و ۶۳ درصد نیز نسبت به بعد فرهنگی بومی‌گزینی دیدگاهی مثبت داشته‌اند.

سؤال ۲- دیدگاه مدیران و کارشناسان مورد بررسی نسبت به میزان موفقیت طرح بومی‌گزینی در هر یک از ابعاد اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، عاطفی و مدیریت و برنامه‌ریزی خدمات دانشجویی چگونه است؟

جدول (۲) میزان موافقت / مخالفت مدیران دانشگاه‌ها نسبت به هر یک از ابعاد طرح

بومی‌گزینی

P	$\chi^2(df=1)$	تعداد مورد انتظار ($n=128$)	تعداد مشاهده شده		اهداف بومی‌گزینی
			موافقان	مخالفان	
0/001	11/281	64	83	45	اقتصادی
0/008	7/031		49	79	فرهنگی
0/000	15/125		42	86	آموزشی
0/000	30/031		95	33	عاطفی
0/249	1/331		70	57	مدیریت و برنامه‌ریزی

بر اساس داده‌های جدول (۲) همان گونه که ملاحظه می‌شود، فراوانی مورد انتظار برای دو طبقه موافق و مخالف در ابعاد مورد بررسی در این سؤال برابر با ۶۴ فرض شده است. ارزش مشاهده شده مجذور کا به ترتیب برای بعد اقتصادی (۱۱/۲۸۱) = x^2 و $(P = 0/001)$ ، بعد فرهنگی (۷/۰۳۱) = x^2 و $(P = 0/008)$ ، بعد آموزشی (۱۵/۱۲۵) = x^2 و $(P = 0/000)$ و برای بعد عاطفی (۳۰/۰۳۱) = x^2 و $(P = 0/000)$ می‌باشد که نشان می‌دهد تفاوت معنی‌دار بین فراوانی‌های مورد انتظار بین این دو نسبت از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. در بین ابعاد مورد بررسی، مدیران نسبت به بعد فرهنگی و آموزشی در مقایسه با ابعاد عاطفی و اقتصادی بومی‌گزینی موافقت کمتری داشته‌اند، به طوری که ۶۷ درصد مدیران نسبت به بعد آموزشی و ۶۱ درصد از آنان نسبت به بعد فرهنگی، دیدگاهی پایین‌تر از حد انتظار ($n=64$) داشته‌اند. در حالی که، آنان نسبت به میزان دستیابی طرح بومی‌گزینی به اهداف اقتصادی و عاطفی توافق بیشتری داشته‌اند؛ به طوری که ۷۵ درصد از مدیران نسبت به بعد عاطفی - روانی و ۶۵ درصد نسبت به بعد اقتصادی نگاهی مثبت و فراتر از حد انتظار ($n=64$) داشته‌اند. داده‌های جدول (۲) همچنین نشان می‌دهد ارزش مجذور کا برای بعد مدیریت و برنامه‌ریزی (۱/۳۳۱) = x^2 و $(P = 0/۲۴۹)$ ، می‌باشد و سطح معنی‌داری مشاهده شده بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است که با وجود بالا بودن تعداد موافقان نسبت به مخالفان، تفاوت بین این دو نسبت از لحاظ آماری معنی‌دار نبود.

جدول (۳): میزان موافقت/مخالفت کارشناسان دانشگاه‌ها نسبت به هر یک از ابعاد طرح

بومی‌گزینی

P	$x^2(df=1)$	تعداد مورد انتظار ($n=170$)	تعداد مشاهده شده		اهداف بومی‌گزینی
			موافقان	مخالفان	
۰/۰۰۰	۸۳/۷۹۳	۸۴/۵	۱۴۴	۲۵	اقتصادی
۰/۱۹۱	۱/۷۱۰		۷۶	۹۳	فرهنگی
۰/۳۹۷	۰/۷۱۶		۹۰	۷۹	آموزشی
۰/۰۰۲	۱۰/۰۶۶		۱۰۴	۶۳	عاطفی
۰/۲۸۰	۱/۱۶۷		۹۱	۷۷	مدیریت و برنامه‌ریزی

بررسی دیدگاه مدیران، کارشناسان و دانشجویان نسبت به اجرای طرح بومی‌گزینی... ۱۰۱

همان‌طور که داده‌های جدول (۳) نشان می‌دهد، فراوانی مورد انتظار برای دو طبقه موافق و مخالف در پنج بعد مورد بررسی، برابر برابر با $84/5$ فرض شده است. بر اساس داده‌های جدول (۳) ارزش مشاهده شده مجذورکا به ترتیب برای بعد اقتصادی ($P=0/000$ و $x^2=83/793$) و برای بعد عاطفی برابر با ($P=0/066$ و $x^2=10/066$) و $P=0/002$ می‌باشد که نشان می‌دهد تفاوت بین فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار بین این دو نسبت از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. این نتیجه نشان دهنده نگاه مثبت کارشناسان دانشگاه‌ها نسبت به دو بعد مذکور می‌باشد. ارزش مشاهده شده مجذورکا برای بعد آموزش ($P=0/397$ و $x^2=0/716$) بود. اگر چه تعداد کارشناسان موافق با بعد آموزشی بومی‌گزینی بیشتر از مخالفان آن بود اما این تفاوت به لحاظ آماری معنادار نیست. به عبارت دیگر میزان موافقت و مخالفت کارشناسان از حیث تحقق اهداف آموزشی طرح با یکدیگر تفاوت چندانی نداشت. از طرف دیگر، ارزش مشاهده شده مجذورکا برای بعد فرهنگی ($P=0/191$ و $x^2=1/710$) و برای بعد مدیریت و برنامه‌ریزی ($P=0/280$ و $x^2=1/167$) بود که سطح معنی‌داری مشاهده شده بزرگ‌تر از $0/05$ است. بنابراین تفاوت بین فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار بین دو گروه موافق و مخالف در دو بعد فرهنگی و مدیریتی نیز از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. در بین پنج بعد مورد بررسی، کارشناسان بیشترین موافقت را نسبت به دو بعد اقتصادی (۸۵ درصد موافق) و فرهنگی (۶۱ درصد موافق) و بیشترین میزان مخالفت را با بعد فرهنگی (۵۵ درصد مخالفت) بومی‌گزینی داشته‌اند.

سؤال ۳- آیا بین دیدگاه مدیران و کارشناسان در دانشگاه‌های مورد بررسی نسبت به میزان موفقیت طرح بومی‌گزینی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

جدول (۴) آزمون یومن- وایت‌نی برای مقایسه دیدگاه مدیران و کارشناسان دانشگاه‌ها

نسبت به میزان موفقیت طرح بومی‌گزینی

P	Z	$Wil W$	$M-w u$	$SUM R$	$Mewn Rank$	n	دیدگاه
۰/۴۰۴	-۰/۸۳۵	۲۴۵۶۹/۰۰۰	۱۰۲۰۴/۰۰۰	۱۹۶۸۴	۱۵۲/۷۸	۱۲۸	مدیران
				۲۴۵۶۹	۱۴۵/۳۸	۱۶۹	کارشناسان
۲۹۷							مجموع

نسبت به
طرح
بومی‌گزینی

آزمون یومن- وایت‌نی همانند آزمون (t) برای دو نمونه مستقل در حالت ناپارامتری است. مقایسه دیدگاه دو گروه مدیران و کارشناسان در این سؤال با استفاده از آزمون یومن- وایت‌نی نشان می‌دهد میانگین رتبه گروه اول یعنی مدیران ($153/78$) از گروه دوم یعنی کارشناسان دانشگاه‌ها ($145/38$) بیشتر است. اما با توجه به این که سطح معنی‌داری برابر با $P > 0.05$ است، در میزان موافقت مدیران و کارشناسان نسبت به کلیت طرح بومی‌گزینی به لحاظ آماری تفاوت معناداری وجود ندارد. برای نمونه‌های بیشتر از بیست، جدول U به توزیع نرمال تقریب زده می‌شود و از این رو در این آزمون، از مقدار آماره Z استفاده شده است. بنابراین دیدگاه مدیران و کارشناسان نسبت به کلیت طرح بومی‌گزینی در پنج مورد بررسی با یکدیگر تفاوت معناداری ندارند.

سؤال ۴- آیا بین دیدگاه کارشناسان در شش دانشگاه مورد بررسی نسبت به میزان موفقیت طرح بومی‌گزینی تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول (۵) نتیجه آزمون کروسکال والیس برای مقایسه دیدگاه کارشناسان دانشگاه‌ها نسبت به طرح بومی‌گزینی

P	$\chi^2(df=5)$	Mewn Rank	n		
۰/۰۰۰	۳۱/۰۵۴	۶۹/۲۸	۳۶	سیستان و بلوچستان	دیدگاه نسبت به طرح بومی‌گزینی
		۱۱۱/۵۲	۲۸	تربیت معلم	
		۸۲/۲۹	۲۱	شیراز	
		۵۶/۸۱	۳۵	فردوسی مشهد	
		۱۰۶/۹۶	۲۷	صنعتی اصفهان	
		۱۰۰/۶۱	۲۳	پوعلی سینا همدان	
	۱۷۰			مجموع	

برای مقایسه دیدگاه کارشناسان در شش دانشگاه مورد بررسی از آزمون کروسکال والیس استفاده شد. این آزمون که معادل ناپارامتری آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (F یا $ANOVA$) است زمانی به کار می‌رود که تعداد گروه‌ها بیش از دو گروه باشد. در این سؤال مقدار آزمون کای اسکوئر برای تمامی گروه‌ها (دیدگاه کارشناسان در شش دانشگاه نسبت به تمام طرح در پنج بعد) برابر با $\chi^2 = 31/054$ و $P = 0/000$ و در سطح خطای کوچک‌تر از $0/01$ معنی‌دار می‌باشد. بنابراین به لحاظ آماری در میزان

بررسی دیدگاه مدیران، کارشناسان و دانشجویان نسبت به اجرای طرح بومی‌گزینی... ۱۰۳

موافقت کارشناسان دانشگاه‌های مختلف نسبت به طرح بومی‌گزینی در ابعاد پنج‌گانه، تفاوت وجود دارد. همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود نمره میانگین کارشناسان در دانشگاه‌های تربیت معلم، صنعتی اصفهان و بوعلی سینای همدان در مقایسه با سه دانشگاه دیگر بالاتر است، بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که کارشناسان در این سه دانشگاه، نگاه مثبت‌تری نسبت به طرح بومی‌گزینی و ابعاد پنج‌گانه آن داشته‌اند.

سؤال ۵- آیا بین دیدگاه دانشجویان درباره موفقیت طرح بومی‌گزینی در ابعاد مورد نظر بر حسب جنسیت، نوع پذیرش و محل سکونت آنان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

جدول (۶) آزمون یومن وایت‌نی برای بررسی دیدگاه دانشجویان بر حسب جنسیت، پذیرش و محل سکونت آنها

<i>P</i>	<i>Z</i>	<i>Wil W</i>	<i>M-WU</i>	<i>SUM R</i>	<i>Mewn Rank</i>	<i>n</i>		دیدگاه دانشجویان
۰/۰۰۰	-۵/۳۳۳	۶۳۸۱۲/۵۰۰	۴۰۳۷۶/۵۰۰	۶۳۸۱۲/۵۰	۲۹۵/۴۳	۲۱۶	پسران	
				۹۲۱۵۷/۵۰	۳۸۵/۰۹	۴۹۹	دختران	
۰/۰۱۶	-۲/۴۱۷	۲۰۴۰۱۱/۵۰۰	۲۷۸۹۰/۵۰۰	۲۰۴۰۱۱/۵۰	۳۴۴/۰۳	۵۹۶	روزانه	
				۴۳۴۴۴/۵۰	۳۹۴/۹۵	۱۱۹	شبانه	
۰/۰۰۰	-۷/۸۱۹	۳۳۴۸۵/۵۰۰	۲۳۳۳۲/۵۰۰	۲۲۰۳۴۲/۵۰	۳۸۶/۵۷	۵۷۰	بومی	
				۳۳۴۸۵/۵۰	۲۳۵/۸۱	۱۴۵	غیر بومی	
۷۱۵							مجموع	

با توجه به مستقل بودن گروه‌های مورد مقایسه، همانند سؤال چهار برای تحلیل داده‌های مربوط به این سؤال بر اساس جنسیت دانشجویان (پسر و دختر)، محل سکونت آنان (دانشجویان بومی و غیر بومی) و نوع پذیرش (دانشجویان روزانه و شبانه) از آزمون یومن- وایت نی استفاده شد. همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، دیدگاه دانشجویان بر حسب جنسیت آنان، میانگین رتبه دانشجویان دختر ($M=385/09$) از دانشجویان پسر ($M=145/38$) بیشتر و سطح معنی‌داری برابر با $P < 0/05$ می‌باشد. همچنین، میانگین رتبه دانشجویان بومی ($M=386/57$) در مقایسه با دانشجویان غیر بومی ($M=235/81$) بیشتر و سطح معنی‌داری نیز، برابر با $P < 0/05$ می‌باشد. بنابراین در میزان موافقت دانشجویان نسبت به طرح بومی‌گزینی بر حسب

جنسیت و محل سکونت آنان به لحاظ آماری تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به بالا بودن میانگین نمره کل دانشجویان دختر و دانشجویان بومی در مقایسه با دانشجویان پسر و دانشجویان غیر بومی، می‌توان نتیجه گرفت که، دانشجویان بومی و دانشجویان دختر نسبت به اجرای طرح بومی‌گزینی نگاه مثبت‌تری داشته‌اند. از طرف دیگر، بررسی دیدگاه دانشجویان بر حسب نوع پذیرش آنان نیز نشان می‌دهد که میانگین رتبه دانشجویان شبانه ($M=394/95$) دانشجویان دوره روزانه ($M=344/03$) بیشتر و سطح معنی‌داری برابر با $P < 0/05$ می‌باشد. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که دانشجویان دوره شبانه در مقایسه با دانشجویان روزانه نگاه مثبت‌تری نسبت به طرح بومی‌گزینی و ابعاد مربوط به آن داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی دیدگاه دانشجویان، مدیران و کارشناسان آموزشی، دانشجویی، رفاهی و فرهنگی دانشگاه‌ها نسبت به طرح بومی‌گزینی از حیث میزان دستیابی به اهداف مطرح شده در پنج بعد اقتصادی، عاطفی، آموزشی، فرهنگی و مدیریتی انجام شد. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که، از دیدگاه دانشجویان، مدیران و کارشناسان شرکت‌کننده در این پژوهش طرح مذکور در برخی از ابعاد به نسبت موفق بوده است به طوری که رضایت نسبی مدیران، کارشناسان و دانشجویان را به همراه داشته و در برخی از موارد نیز دیدگاه منفی آنان را در پی داشته است. تحلیل داده‌های مربوط به سوال اول پژوهش نشان داد میزان موافقت و مخالفت دانشجویان مورد بررسی در این پژوهش نسبت به اجرای طرح بومی‌گزینی در هر یک از ابعاد مورد نظر متفاوت است و این تفاوت به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. در بین ابعاد مورد بررسی، میزان موافقت دانشجویان به ترتیب با ابعاد عاطفی و اقتصادی در مقایسه با دو بعد فرهنگی و آموزشی بیشتر می‌باشد. این بدان معناست که اکثریت دانشجویان نسبت به مرتفع شدن و کاهش برخی دغدغه‌های اقتصادی ناشی از اجرای طرح و همچنین کاهش مشکلات عاطفی و روانی اذعان داشته‌اند اما در خصوص موفقیت طرح در بعد آموزشی چندان خوش‌بین نبودند، آنان بر این باورند که طرح مذکور اگر چه شانس قبولی در دانشگاه را برای آنان فراهم نموده است، اما با توجه به عدم توزیع امکانات برابر آموزشی در تمامی دانشگاه‌های کشور به طور کامل پاسخگوی نیازهای آموزشی آنان نبوده و موفقیتی در پی نداشته است. از این رو،

پذیرش و قبولی بیشتر دانشجویان دلیلی بر ایجاد فرصت برابر آموزشی برای آنان نمی‌باشد زیرا برای دسترسی و فرصت برابر، به معنای فراهم نمودن امکانات آموزشی، پژوهشی و رفاهی برای دانشجویان در همه مناطق می‌باشد.

یافته‌های مربوط به سوال دوم و سوم نیز در خصوص بررسی دیدگاه مدیران و کارشناسان نسبت به میزان موفقیت طرح بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو برای ورود به دانشگاه حاکی از آن است که مدیران و کارشناسان در شش دانشگاه مورد بررسی در این پژوهش نیز همسو با یکدیگر در بین ابعاد مطرح شده برای بومی‌گزینی به موفقیت نسبی طرح در ابعاد اقتصادی و عاطفی اذعان داشته‌اند در حالی که در ابعاد آموزشی و فرهنگی موافقتی کم‌تر از حد انتظار داشته‌اند. با توجه به معنادار بودن تفاوت دیدگاه مدیران و کارشناسان می‌توان نتیجه گرفت که با اجرای طرح بومی‌گزینی، یکی از دغدغه‌های متولیان امر که کاهش مشکلات اقتصادی ناشی از مشکلات اقامتی و معیشتی و رفاهی دانشگاه و دانشجویان بوده است، به طور نسبی تحقق یافته است اما با توجه به این که منظور از بومی در طرح مذکور، محدوده استان و ناحیه می‌باشد، به دلیل فاصله برخی شهرها از دانشگاه‌ها و مراکز استان، هزینه‌های جاری دانشگاه‌ها مانند تغذیه و سرویس ایاب و ذهاب دانشجویان و همچنین تقاضا برای خوابگاه، کاهش چشم‌گیری را در پی نداشته و به قوت خود باقی است. از طرف دیگر، مدیران و کارشناسان همسو با دانشجویان بر این باورند که اجرای طرح بومی‌گزینی در اهداف مطرح شده در بعد آموزشی موفقیتی در حد انتظار نداشته است، به طوری که نزدیک به هفتاد درصد از مدیران و نزدیک به پنجاه درصد از کارشناسان شرکت کننده در این پژوهش نسبت به بعد آموزشی و حدود هفتاد درصد از مدیران و کارشناسان نسبت به بعد فرهنگی بومی‌گزینی، دیدگاهی پایین‌تر از حد انتظار داشته‌اند. یافته‌های فوق، بیانگر آن است که طرح بومی‌گزینی در دستیابی به برخی از اهداف آموزشی از جمله ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی، جذب و حفظ نخبه‌ها در داخل استان‌های محل سکونت خود و عدم تجمع دانشجویان برتر در یک یا چند دانشگاه خاص، موفقیت چندانی نداشته است و با دیدگاه منتقدان طرح بومی‌گزینی در این زمینه هم‌سوئی دارد. نکته مهم و قابل تأمل آن است که در اهداف طرح بومی‌گزینی چنین آمده است: "بسترسازی برای جذب و حفظ نخبه‌ها در داخل استان‌های محل سکونت خود و عدم تجمع دانشجویان برتر در یک یا چند دانشگاه خاص". لازمه تحقق این هدف، بستر سازی، تقویت و ارتقای کمی و کیفی

دانشگاه‌هاست. به عبارت دیگر، بسترسازی، از الزامات اجرای طرح بومی‌گزینی است و بایستی وجه همت مسئولان نظام آموزش عالی کشور قرار گیرد. از طرف دیگر، کاهش مشکلات عاطفی و روانی دانشجویان، به خاطر نزدیک شدن محل تحصیل دانشجو به خانواده و محل سکونت دیدگاه مثبت مدیران، کارشناسان و دانشجویان را به همراه داشته است. یکی از اهداف طرح مذکور کاستن از مشکلات عاطفی و روانی دانشجویان (به ویژه دانشجویان دختر) همچون افسردگی، انزوا، مشکلات ارتباطی و رفتاری و افت تحصیلی ناشی از آن، آسیب‌های روحی ناشی از عدم برقراری ارتباط مؤثر، احساس استقلال بیش از حد به خاطر عدم حضور والدین، عدم آشنایی با مهارت‌های زندگی و موارد مشابه بوده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، به نظر می‌رسد پذیرش دانشجویان در دانشگاه‌ها به صورت بومی می‌تواند مشکلات عاطفی را کاهش دهد. البته مشکلات مذکور به خصوص مشکلات عاطفی و روانی دلایل بی‌شماری دارد و می‌تواند ریشه در بسیاری از موضوعات دیگر داشته باشد و تنها با پذیرش بومی دانشجویان نمی‌توان انتظار داشت مشکلات به نحو چشم‌گیری کاهش یابد، که پرداختن به آن مورد بحث این پژوهش نمی‌باشد.

موافقت کمتر از حد انتظار مدیران و کارشناسان مورد بررسی نسبت به میزان موفقیت بومی‌گزینی در بعد فرهنگی از جمله یافته‌های دیگر این پژوهش است. در این خصوص، آنچه بیش از هر چیز بایستی مد نظر قرار گیرد آن است که بتوانیم وضعیت نظام آموزش عالی خود را با خواسته‌های روبه رشد جامعه انطباق دهیم. چند قومی و چند فرهنگی بودن کشور ایران نیاز مهمی همچون انسجام و همبستگی ملی را به وجود می‌آورد. با اجرای طرح مذکور اگر چه پذیرش دانشجویان بومی آن منطقه می‌تواند به تقویت فرهنگ محلی بینجامد اما این آسیب را نیز در بر دارد که سایر فرهنگ‌ها نادیده گرفته شود و یا یک فرهنگ و قومیت خاص در یک منطقه حاکم گردد و این می‌تواند تضعیف هویت ملی را در بر داشته باشد. این یافته پژوهش با برخی دیدگاه‌های مخالفان طرح فکوهی (۱۳۸۸) و کریمی (۱۳۹۰) همسو می‌باشد. دانشگاه محلی است که بهتر از هر جای دیگر این توانایی را دارد تا به نیاز دانشجویان در خصوص اطلاع از فرهنگ‌های متفاوت و هماهنگی آنها در جهت تقویت هویت و فرهنگ ملی پاسخگو باشد. دانشگاه از جمله ساختارهای رسمی باز شناخته شده‌ای است که در ایجاد هنجارهای رسمی و غیر رسمی به طور ژرف و گسترده‌ای نقش آفرینی می‌کند. این نقش آفرینی در دانشگاه با به هم درآمیختن شبکه‌ها و هنجارهای

رسمی و غیر رسمی به ایجاد هم‌کنشی بیشتر در میان افراد و اجتماعات و در نتیجه به افزایش سرمایه اجتماعی می‌انجامد (اشرف نظری، ۱۳۹۰). نکته مهم و قابل توجه آن است که این یافته و سایر نتایج تحقیق در جمع معاونان دانشجویی و فرهنگی عضو کارگروه همبستگی و هویت ملی مطرح و مورد تأیید و تأکید قرار گرفت (جلسه کارگروه همبستگی و هویت ملی، اردیبهشت‌ماه، ۱۳۸۹).

بررسی دیدگاه مدیران نسبت به بعد مدیریت و برنامه‌ریزی خدمات دانشجویی در این پژوهش نشان داد اگر چه میزان موافقت مدیران و کارشناسان در مقایسه با مخالفان اندکی بیشتر است اما این تفاوت به لحاظ آماری معنادار نیست. این یافته بیانگر آن است که مدیران و کارشناسان مورد بررسی بر این باورند که طرح مذکور در بعد مدیریتی، به معنای تسهیل مدیریت و کیفیت برنامه‌ریزی خدمات دانشجویی و رفاهی، موفقیت چشم‌گیری نداشته است. می‌توان انتظار داشت که با اجرای طرح بومی‌گزینی با کاهش قابل توجه دانشجویان غیر بومی، تقاضا برای خوابگاه و امکانات رفاهی کمتر شود و صرف هزینه و اعتبارات برای احداث خوابگاه و سایر فضاهای مورد نیاز برای دانشجویان غیر بومی کاهش یابد و این به نوبه خود از هزینه‌های جاری و منابع انسانی مورد نیاز برای اداره تشکیلات گسترده در دانشگاه‌ها می‌کاهد و در کل سبب عملکرد بهتر مدیریت حوزه دانشجویی برای برنامه‌ریزی بهتر و ارائه خدمات با کیفیت بهتر می‌گردد. اما این انتظار زمانی محقق می‌شود که اولاً پذیرش بومی دانشجویان به صورت محل سکونت باشد نه به صورت ناحیه‌ای و استانی (شیوه فعلی) ثانیاً دانشگاه‌های کشور به لحاظ توزیع امکانات برابر آموزشی و پژوهشی پاسخگوی نیازهای دانشجویان باشند. بنابراین افزایش کیفیت ارائه خدمات دانشجویی به دانشجویان از طریق پذیرش بومی دانشجویان مستلزم بستر سازی مناسب و توجه به وضعیت موجود دانشگاه‌ها از حیث برخورداری از زیرساخت‌های مورد نیاز برای اجرای چنین طرحی می‌باشد که در حال حاضر دانشگاه‌ها به ویژه دانشگاه‌های شهرستان‌ها فاقد چنین ظرفیتی می‌باشند.

در سؤال سوم تحقیق، دیدگاه مدیران و کارشناسان دانشگاه‌های مورد بررسی نسبت به طرح بومی‌گزینی با توجه به ابعاد پنج‌گانه اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، عاطفی و مدیریتی مورد مقایسه قرار گرفت. یافته‌های مربوط به این سؤال حاکی از آن است که با وجود تفاوت در نمره میانگین دو گروه (بالاتر بودن میانگین نمره کل مدیران در مقایسه با کارشناسان)، بین دیدگاه مدیران و کارشناسان دانشگاه‌ها نسبت به

اجرای طرح بومی‌گزینی به لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. به عبارت دیگر نمی‌توان نسبت به میزان توافق یا رضایت بیشتر مدیران در مقایسه با کارشناسان از اجرای طرح بومی‌گزینی و ابعاد مورد نظر، با اطمینان و صراحت این موضوع را پذیرفت.

در سؤال چهارم، دیدگاه کارشناسان در شش دانشگاه سیستان و بلوچستان، خوارزمی (تربیت معلم تهران سابق)، شیراز، فردوسی مشهد، اصفهان و بوعلی سینای همدان نسبت به اجرای طرح بومی‌گزینی با توجه به ابعاد پنج‌گانه مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل داده‌ها نشان داد که بین دیدگاه کارشناسان در دانشگاه‌ها نسبت به اجرای طرح بومی‌گزینی به لحاظ آماری تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به بالاتر بودن نمره میانگین دیدگاه کارشناسان دانشگاه‌های خوارزمی (تربیت معلم تهران سابق)، صنعتی اصفهان و بوعلی سینای همدان نسبت به طرح بومی‌گزینی در مقایسه با سه دانشگاه دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که کارشناسان مورد نظر در این دانشگاه‌ها از اجرای طرح رضایت بیشتری داشته‌اند. پایین‌تر بودن نمره میانگین دیدگاه کارشناسان دانشگاه‌های سیستان و بلوچستان، فردوسی مشهد و شیراز نسبت به اجرای طرح بومی‌گزینی، حاکی از عدم رضایت آنان از پذیرش دانشجویان به شیوه بومی‌گزینی در دانشگاه‌هایشان بوده است. رضایت نسبی کارشناسان دانشگاه‌ها در خصوص اجرای طرح بومی‌گزینی مبتنی بر یافته‌های این سؤال، نشان می‌دهد اجرای این طرح اگر چه در برخی از ابعاد مورد نظر و در برخی دانشگاه‌ها تا اندازه‌ای پاسخگوی دغدغه مسئولان و برنامه‌ریزان آموزش عالی کشور بوده است اما به عنوان طرحی جامع و مبتنی بر واقعیات آموزش عالی کشور، موفقیت اندکی را در بر داشته است. به نظر می‌رسد عدم رضایت کارشناسان در دانشگاه سیستان و بلوچستان از اجرای طرح به این علت باشد که در دانشگاه‌های این استان بیشترین نسبت بومی‌گزینی انجام شده است و دیدگاه منفی کارشناسان برگرفته از مشاهده تبعات آموزشی و فرهنگی - اجتماعی این طرح در مقایسه با سال‌های قبل از اجرای طرح بوده است. ضمن اینکه، این یافته با نتایج حاصل از سؤال دوم پژوهش همخوانی دارد. به عبارت دیگر، می‌توان چنین استنباط نمود که دیدگاه کارشناسان دانشگاه سیستان و بلوچستان درباره طرح بومی‌گزینی با دیدگاه مدیران درباره ابعاد فرهنگی - اجتماعی و علمی - آموزشی طرح همخوانی دارد.

سؤال ششم پژوهش به مقایسه دیدگاه دانشجویان نسبت به طرح بومی‌گزینی بر اساس جنسیت، محل سکونت و نوع پذیرش آنان پرداخته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها حکایت از آن دارد که بین دیدگاه دانشجویان دختر و پسر نسبت به طرح بومی‌گزینی، تفاوت معناداری وجود دارد. بالاتر بودن میانگین نمره کل دانشجویان دختر بیانگر رضایت نسبی آنان از اجرای طرح در مقایسه با پسران می‌باشد. مقایسه دیدگاه دانشجویان بومی و غیربومی نیز حکایت از نتیجه مشابه داشت به طوری که، دانشجویان بومی در مقایسه با دانشجویان غیربومی نسبت به طرح و تحقق اهداف بومی‌گزینی در ابعاد مورد نظر موافقت و رضایت بیشتری داشته‌اند. نتایج حاصل از این سؤال با یافته‌های سؤال اول پژوهش مبنی بر رضایت دانشجویان نسبت به ابعاد اقتصادی، روانی-عاطفی و فرهنگی طرح بومی‌گزینی همخوان بوده و انتظار می‌رود که دانشجویان بومی، موافقت و رضایت بیشتری از اجرای طرح داشته باشند که یافته‌های این سؤال نیز موید آن است. از دیگر یافته‌های این سؤال مقایسه دیدگاه دانشجویان روزانه و شبانه (نوبت اول و نوبت دوم) نسبت به طرح بومی‌گزینی بود که نتایج نشان داد، تفاوت بین دو گروه مذکور به لحاظ آماری معنادار است بالاتر بودن میانگین نمره کل دیدگاه دانشجویان دوره شبانه در مقایسه با دانشجویان روزانه نشان می‌دهد این دسته از دانشجویان نسبت به اجرای طرح بومی‌گزینی رضایت بیشتری داشته‌اند.

آموزش عالی بخش مهم و حائز اهمیتی است که دارای حوزه اثرگذاری بسیار وسیعی در دیگر نهادها و بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه است. این نظام با تربیت تخصصی افراد، مدیران و رهبران جامعه و با رشد توانایی‌ها، نبوغ و ظرفیت فکری انسان در توسعه مرزهای دانش بشری نقش بسیاری دارد. از جمله دغدغه‌ها و اهداف مسئولان دانشگاه‌ها و وزارت علوم، از پذیرش دانشجویان به شیوه بومی‌گزینی، پاسخ به تقاضای بی‌شمار داوطلبان شرکت‌کننده در آزمون سراسری برای ورود به دانشگاه‌ها و فراهم نمودن تحصیلات عالی برای همه متقاضیان آموزش عالی در کشور بود. هدف عمده دیگر، کاهش هزینه‌های دانشگاه‌ها و ارائه خدمات کافی و مناسب به دانشجویان متقاضی خوابگاه و امور رفاهی و همچنین کاهش مشکلات عاطفی و روانی ناشی از دور بودن دانشجویان غیر بومی از خانواده آنان بود. اگر چه اجرای پذیرش بومی در چند سال اخیر تا اندازه‌ای در کاهش هزینه‌های مذکور مؤثر بوده است اما به نظر می‌رسد با توجه به تبعات دیگر اجرای

این طرح همچون نابرابری آموزشی و کم‌رنگ شدن همبستگی اجتماعی و انسجام ملی، اجرای طرح مذکور، مشکلات بعد اقتصادی را به صورت بنیادی حل نمی‌کند. پذیرش بومی دانشجویان به صورت استانی و ناحیه‌ای به خاطر فاصله برخی شهرها از دانشگاه‌ها و مراکز استان، برخی از هزینه‌های جاری همانند تغذیه، رفت و آمد هم به خانواده دانشجویان و هم به دانشگاه و همچنین تقاضا برای خوابگاه به دانشگاه‌ها تحمیل می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به کیفیت پایین امکانات آموزشی، کمبود امکانات رفاهی و صنفی و نبود اعضای هیأت علمی متخصص در برخی دانشگاه‌ها، پذیرش بالای دانشجویان به شیوه بومی در دانشگاه‌های استان‌ها سبب پایین آمدن کیفیت آموزش در دانشگاه‌ها می‌شود. از این رو اجرای چنین طرحی به صورت کلی و جامع در کشور نیازمند ایجاد بستر فرهنگی و زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم در تمامی دانشگاه‌ها می‌باشد. یکی از چالش‌های عمده فرا روی اجرای طرح بومی‌گزینی در پذیرش دانشجویان، عدم دستیابی افراد نواحی مختلف جغرافیایی و فرهنگی کشور به فرصت‌های برابر و یکسان آموزشی، پژوهشی و حتی رفاهی می‌باشد که یکی از علل اصلی نارضایتی و عدم موافقت مدیران، کارشناسان و دانشجویان با اجرای طرح مذکور در تحقیق حاضر بود. این مسئله از اینجا ناشی می‌شود که دانشگاه‌های درجه یک اغلب در پایتخت و در برخی مراکز استان‌های بزرگ تأسیس شده‌اند و از کیفیت بالاتری در ارائه خدمات آموزشی، پژوهشی و اساتید متخصص در رشته‌های تحصیلی برخوردار می‌باشند. اجرای طرح بومی‌گزینی و پذیرش زیاد دانشجویان به شیوه بومی در برخی رشته‌های تحصیلی و پر طرفدار در سال‌های اخیر محدودیت‌هایی را برای پذیرش دانشجویان شهرستان‌ها و نواحی کم برخوردار برای تحصیل در این دانشگاه‌ها ایجاد نموده است. از طرفی، با توجه به این که، خرده فرهنگ‌های مختلفی در نقاط کشور وجود دارد و هویت ملی و انسجام اجتماعی با کنار هم قرار دادن این خرده فرهنگ‌ها و در تعامل با یکدیگر معنا و مفهوم پیدا می‌کند، به نظر می‌رسد بازاندیشی در شیوه‌گزینش دانشجو و ساماندهی مجدد آن بر مبنای الگویی بهینه می‌تواند به ارتقای نقش همبستگی‌ساز آموزش عالی منجر شود.

منابع

اشرف نظری، علی و باقری، محمد (۱۳۹۰). آموزش عالی و همبستگی ملی در ایران (۱۳۶۸-۱۳۸۴)، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوازدهم، ویژه‌نامه شماره یک، صص: ۱-۲۸.

امیری، میثم و رحمانی، تیمور (۱۳۸۵). بررسی آثار سرمایه اجتماعی درون و برون گروهی بر رشد اقتصادی استانهای ایران، دو فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای اقتصادی، سال سوم، شماره ششم، صص: ۳۳۹-۳۸۲.

اندیشمند، ویدا (۱۳۸۸). شناسایی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در دانشگاه‌ها به منظور ارائه مدلی جهت ارتقاء آن، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، شماره ۲، صص: ۹-۳۴.

بابادی عکاشه، زهرا؛ شریف، سید مصطفی و عبدالرسول جمشیدیان (۱۳۸۹). تأمین و گسترش فرصت‌ها و عدالت آموزشی در آموزش و پرورش استان اصفهان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، جلد ۱۰، شماره ۳۷، صص: ۲۸۷-۳۰۵.

بازرگان، عباس (۱۳۶۹). مراحل برنامه‌ریزی آموزش عالی و ارزیابی آن، دانش مدیریت، مجله دانشکده علوم اداری و مدیریت دانشگاه تهران، شماره ۹-۱۰، صص: ۴۳-۵۹.

پرنده، کورش؛ یادگارزاده، غلامرضا و ابراهیم خدایی (۱۳۹۱). انتخاب رشته انتخاب آینده، راهنمای انتخاب رشته آزمون سراسری، تهران: سازمان سنجش آموزش کشور.

تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه. تهران: انتشارات شیرازه.

جوادی، محمد جعفر (۱۳۸۷). نابرابری‌های آموزشی و ابعاد جامعه شناختی آن، پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت، (۳)، صص: ۱۴-۳۱.

جلسه کارگروه همبستگی و هویت ملی، اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۹، اصفهان.

دفترچه راهنمای شماره ۲ کنکور، انتخاب رشته، ۱۳۸۸.

دهقانی، سعیده (۱۳۸۴). بررسی فرصت‌های آموزشی در استان فارس در برنامه دوم و سوم توسعه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

رحمان سرشت، حسین (۱۳۸۰). اخلاق جزء نادیده گرفته شده سیاست‌های آموزش عالی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۰، صص ۱۲۶-۱۰۳.

روشن، احمدرضا (۱۳۸۷). نرخ پوشش تحصیلی آموزش عالی در کشورهای جهان. مجله رهیافت، شماره ۴۳، صص ۷۰-۵۸.

سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگاه.

— صالحی عمران، ابراهیم؛ عالی‌شوندی، اقدس و بهروز کاوه‌ئی (۱۳۹۰). بررسی سیاست پذیرش دانشجوی بومی در دانشگاه‌های ایران، اولین همایش بین‌المللی مدیریت، آینده‌نگری، کارآفرینی و صنعت در آموزش عالی.

صالحی، ابراهیم و مهرعلیزاده، یدالله (۱۳۸۴). تغییرات بازار کار، توسعه آموزش عالی و سرمایه اجتماعی، مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار.

عبدالهی، محمد و موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت، وضعیت موجود، دورنمای آینده امکان‌شناسی گذار، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵، صص: ۱۹۵-۲۳۳.

عبدوس، میترا (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر در فرصت‌های آموزشی نابرابر بین دختران و پسران، خلاصه مقالات مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

فراستخواه، مقصود (۱۳۸۷). بررسی چگونگی ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی در ایران، مجله آموزش عالی ایران، سال اول، شماره ۲، صص ۱۲۴-۹۰.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۶). نقش زبان و هویت‌های قومی و محلی در توسعه نظام آموزش عالی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۹، صص ۱۶۰-۱۲۷.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۸). طرح بومی‌گزینی آسیب‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد، پایگاه انسان‌شناسی و فرهنگ، ۱۳۸۸/۸/۲۷، قابل دسترس در: www.anthropology.ir/node/711

فیضی، طاهره (۱۳۸۵). طراحی و تبیین مدل سرمایه اجتماعی دانشگاه پیام نور، رساله دکتری رشته مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

قانع‌راد، محمد امین (۱۳۸۵). نقش تعاملات دانشجویان و اساتید در تکوین سرمایه اجتماعی دانشگاهی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم، شماره ۱، صص: ۲۹-۳.

گروه مشاوران یونسکو، (۱۳۷۴). *فرایند برنامه‌ریزی آموزشی*. ترجمه فریده مشایخ، تهران: مدرسه.

کریمی، علی (۱۳۹۰). تأملی درباره نسبت آموزش عالی و همبستگی اجتماعی، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال دوازدهم، ویژه‌نامه شماره ۱، صص ۱۰۴-۷۷.

مسعودی، عصمت و جوادی، منوچهر (۱۳۸۲). تحلیل و دسترسی به فرصت‌های برابر در توسعه آموزش عالی دولتی کشور، *مجله علوم انسانی، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۲۷-۲۸، صص: ۷۳-۹۵.

مصوبه شماره ۲۱۳ دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی سال ۱۳۶۹.

مهرعلیزاده، یدالله؛ رجبی معماری، اسماعیل و الهام‌پور، حسین (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی سیاست بومی‌گزینی (تحلیل محتوی سایت‌های اینترنتی و رسانه‌های عمومی کشور)، *فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران*، سال چهارم، شماره چهارم، صص ۱۵۸-۱۱۹.

مهر محمدی، محمود و فراستخواه، مقصود (۱۳۸۱). بررسی راهکارهای افزایش دسترسی به آموزش عالی، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره هشتم، شماره ۳، صص ۹۶-۷۹.

- نوربخش، سید مرتضی و حائری، سید مجید (۱۳۹۰). مطالعه جامعه‌شناختی موفقیت در کنکور، *نامه آموزش عالی*، سال چهارم، شماره پانزدهم، صص ۵۷-۳۳.

Gumus, Murat (2007). The Effect of communication on Knowledge sharing in organization, *Journal of knowledge management practice*, vol. 8. No. 2.